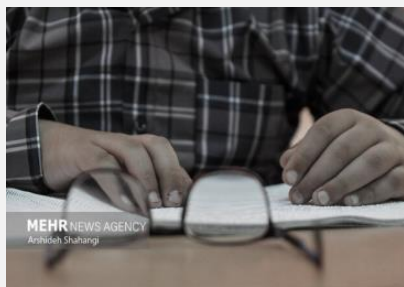


کتاب‌هایی که با چشم دل خوانده می‌شوند

شاید دنیای آنها تاریک باشد، اما بهتر از ما می‌بینند، شور و امید و از همه مهمتر عشق به خدا در سخنان آنها موج می‌زند، شاید با چشم سر نبینند اما چشم دل آنها بیناتر است.



شاید دنیای آنها تاریک باشد، اما بهتر از ما می‌بینند، شور و امید و از همه مهمتر عشق به خدا در سخنان آنها موج می‌زند، شاید با چشم سر نبینند اما چشم دل آنها بیناتر است.

خبرگزاری مهر، گروه استان‌ها- اسرا درویشی: با خود فکر می‌کنم چگونه می‌توانم با آنها حرف بزنم که ناراحت نشوند، دلخور نشوند اما دل به دریا زده و به سراغ آنها می‌روم.

به گرمی و مهربانی به استقبال من می‌آیند و با خوشرویی من را به داخل هدایت می‌کنند، فاطمه، رباب، ارسام، آیلین و محمد از روشندان بخش نابینایان و کم بینایان کتابخانه مرکزی تبریز هستند.

در اولین ورود خود کتاب‌های بریل و عصای سفید آنها توجه مرا جلب می‌کند؛ با آنها صحبت می‌کنم، امید و انگیزه عجیبی دارند، در اوایل فکر می‌کردم شاید از زندگی ناامید شده باشند، اما به مرور دریافتم ناامید من هستم و زندگی آنها تاریک نیست، ما می‌بینیم اما آنطور که باید نمی‌بینیم.

مشکلات نابینایان مسئله وار بوده و می‌توان حل کرد

مسئول بخش کم بینایان و نابینایان کتابخانه مرکزی به خبرنگار مهر می‌گوید: سال ۱۳۸۴ فعالیت‌هایی در سطح شهر انجام می‌شد که نتیجه آن، تأسیس این مرکز شد و در سال ۱۳۸۵ نیز جذب این مرکز شدم.

فاطمه قنبری اضافه می‌کند: ۴۵۰ نفر اعضا داریم که ۲۹۱ نفر آنها عضو فعال هستند. بیش از ۱۵۰۰۰ نسخه کتاب گویا داریم و تعدادی هم کتاب بریل در کتابخانه موجود است.

کتاب‌هایی که با چشم دل خوانده می‌شوند

او ادامه می‌دهد: فردی که جذب کتابخانه می‌شود، تنها امانت گرفتن کتاب را در نظر دارد اما ارائه مشاوره، برگزاری نشست‌های کتابخوان، قصه‌گویی کودکان و برگزاری مسابقات از دیگر اقدامات ما است.

او خاطرنشان می‌کند: چاپ کتاب بریل هم در مرکز ما انجام می‌شود که در نوع خود کم نظیر است، سال ۱۳۸۵ سعی کردیم تا در زمینه تولید کتاب گویا فعال باشیم، اعضای افتخاری را جذب و کتاب‌ها را ضبط کردیم و نیازهای تمامی کودکان تا بزرگسالان نابینا را تحت پوشش قرار می‌دادیم و اکنون به صورت عمومی در بخش کودک و نوجوان هم فعالیت خود را آغاز کرده ایم.

قنبری می‌گوید: وسایل بازی برای کودکان و نوجوانان هم فراهم کرده ایم اما در مرکز ما چاپ کتاب درشت ویژه کودکان کم بینا موجود نیست و تلاش می‌کنیم راه اندازی کنیم.

این مسئول در رابطه با نابینایی خود نیز می‌گوید: سال ۷۸ دانشجوی ریاضی دانشگاه شریف بودم، اتفاقی برای من رخ داد و فکر نمی‌کردم مشکل از بینایی باشد، اولین ضربه را در سرعت گیرها دیدم بعد در تبریز سرم به تیر برق می‌خورد، رنگ‌ها را نمی‌توانستم تشخیص دهم، پزشک با بررسی اعلام کرد ژنتیکی است اما تاکنون مورد مشابهی در خانواده نبوده است؛ ابتدا شب کوری بود که تحلیل شبکیه و آب مروارید رخ داده و سپس پرده جلوی چشم من را گرفت و این اتفاق به سرعت رخ داد.

قنبری تأکید می‌کند: لیسانس ریاضی بودم و بعد اتمام تحصیلاتم به دکتر مراجعه کردم و در فامیل و همسایه چنین مشکلی را ندیده بودم طول کشید تا با این مشکل راه بیایم، در سازمان بهزیستی ثبت نام کردم آن زمان جامعه نابینایان در استان بود که خط بریل را از آنها یاد گرفتیم و عضو هیأت مدیره شدم سپس در کانون فرهیختگان هم عضو شدم و کتاب‌ها را به کتابخانه مرکزی انتقال دادیم.

او همچنین یادآور می شود: از زمانی که خودم درگیر این مسئله شدم فهمیدم نیاز نیست نابینا را از سطح شهر جدا کنیم، حین ساخت و ساز می توان اقدامات لازم را انجام داد که هزینه بر نخواهد بود؛ به عنوان مثال در پژوهشی وضعیت استفاده نابینایان و کم بینایان را از کتابخانه مرکزی بررسی کردم و متوجه شدم چندان قابل دسترس آنها نیست و نمی توانند به راحتی استفاده کنند.

او ادامه می دهد: تعدادی از نابینایان با کتاب بریل و تعدادی با کتاب گویا راحت هستند و از منابع مشخص خود استفاده می کنند، تعداد کتاب گویا در سطح کشور چندان زیاد نیست و این به نوعی مشکل دیگر ما است و نابینایان و کم بینایان این گلایه مندی را از ما دارند.

دل های ما به امید زنده است

رباب مهدوی فرد، مسئول دیگر این بخش است، او هم به خبرنگار مهر می گوید: از سال ۱۳۸۵ در خدمت کم بینایان و نابینایان هستم و به غیر از تهیه منابع، آموزش های مختلفی برای آنها در کتابخانه داریم.

او ادامه می دهد: تعدادی از افراد بعد از سال ها نابینا شده اند و از خدمات ما استفاده می کنند و این مرکز پیشگام در پیشرفت آنها است.

او همچنین تاکید می کند: کم بینا هستم، مشکل ژنتیکی داشتم که بعد سن بلوغ پیشرفته شد و حتی قادر نبودم کارهایم را انجام دهم و بعدها خط بریل را یاد گرفتم، با همراهی نابینایان و یاری خداوند امیدوار شدم و تحصیلات خود را ادامه دادم.

مهدوی خاطرنشان می کند: از نبود امکانات لازم و کافی رنج می بریم و جامعه مناسب سازی نشده و نمی توان در شهر به راحتی تردد کرد، در حوزه فرهنگی دسترسی به منابع کم است و مطلوب نیست.

او می افزاید: در زمینه شغلی چندان شغلی وجود ندارد و محدود است و از بابت شغل در مضیقه هستیم،

از نظر سخت افزاری هم برخی امکانات را نداریم چراکه هزینه آنها بالا است و تنها در مراکز وجود دارد.

او می گوید: از لحاظ رفاهی تأمین هزینه ها سخت است و سبب می شود تا کم بینایان و نابینایان از ازدواج دوری کنند که همه و همه از نبود فرهنگ سازی و امکانات است.

این مسئول متذکر می شود: شاید نقص ما ظاهری باشد اما خداوند انسان را اشرف مخلوقات آفرید و توانایی و نعمت های بسیاری به ما داده است.

از نابینایان حمایتی نمی شود

محمد اسدیپور که متولد ۱۳۸۱ بوده، نیز می گوید: در رشته فلسفه دانشگاه تبریز درس می خوانم، هنگامی که به دنیا آمدم، نارس بودم و مدتی را که در دستگاه بودم بر روی چشمانم لنز نگذاشتند و این سبب نابینایی من شد.

او ادامه می دهد: در دوران کودکی زمانی که با هم سن و سالان خود بازی می کردم، هیچ مشکلی نداشتم و آنها هم اذیت نمی کردند.

او می افزاید: در مدرسه مردانی آذر درس خوانده ام، خداوند روح ایشان را شاد و این خانواده را نگهدارد، لطف بزرگی در حق ما کردند.

اسدیپور بیان می کند: رشته ی من، علوم انسانی بود، با خط بریل درس خواندم و در طول دانشگاه نیز از کتابهای صوتی استفاده می کنم و به دلیل حجیم بودن کتاب ها خط بریل به درد نمی خورد.

او خاطرنشان می کند: در دوران مدرسه معلمان ما فوق العاده بودند که تعدادی از آنها بینا و تعدادی نیز نابینا بودند و واقعاً همکاری می کردند؛ اساتید دانشگاه هم به خوبی همکاری می کنند اما با کتاب های صوتی مشکل دارم چراکه صوتی کردن آنها چندماه طول می کشد.

او با اشاره به دیدگاه خود از جهان بیرونی، اضافه می کند: جهان طبیعی و دنیا در نظر من بسیار زیبا است، شاید با چشم بینا آن را نبینم اما می شنونم ولی از نظر اجتماعی دیدگاه خوبی ندارم و فکر می کنم دنیا به خوبی پیش نمی رود.

این نابینا در رابطه با وضعیت شهر نیز می گوید: مسئولین اقداماتی انجام داده اند اما در مقایسه با کشورهای دیگر در هر عرصه باید اقدامات و حمایت هایی از نابینایان انجام شود، در رفت و آمد مشکل داریم و برخی مکان ها مناسب سازی نشده اند.

او ادامه می دهد: یک خواهر و برادر دارم، خانواده حمایت بزرگی از من کردند و بسیار متشکرم علاوه بر آنها، کتابخانه و معلمان ما نیز از ما حمایت کردند.

او یادآور می شود: دو سال است که کتابخوان شده و طعم کتاب را چشیده ام، بیشتر در حوزه زمین مطالعه می کنم چراکه به رشته زمین شناسی علاقه بسیاری دارم همچنین در کتابخانه کار با کامپیوتر را آموخته ام و می توانم کارهای مورد نیاز خود را انجام دهم.

اسدپور خاطرنشان می کند: امیدوارم بتوانم فرد مفیدی برای جامعه باشم و بتوانم صدای ظالمان را به گوش دیگران برسانم و در برقراری عدالت سهیم باشم.

او با تاکید بر اینکه هیچوقت ناامید نشده ام، می گوید: تاکنون ناامید نشده ام و زمانی که به معلولین نگاه می کنم میبینم افراد موفق هم بوده است؛ باید ناامید نباشیم و در این دنیای زیبای خداوند تفکر کرده و لذت ببریم.

مشکلات بسیار کم بینایان / ضرورت تأسیس مدرسه ویژه

آیلین اسدی دختری هشت سال با موهای بلند مشککی است که متأسفانه در دوران خردسالی دچار کم بینایی شده است، آیلین نیز ادامه می دهد: در پایه دوم دبستان و در مدرسه اشرفیه تحصیل می کنم که مدرسه عادی است و استثنایی نیست.

او می افزاید: نمرات من خوب است به راحتی درس می خوانم از کتاب های درشت نویسی استفاده می کنم و کم بینا هستم.

او با زبان شیرین خود می گوید: به کتاب های قصه علاقه دارم و بیشتر این کتاب ها را می خوانم و دوست دارم در آینده پرستار شوم.

مادر آیلین نیز در رابطه با وضعیت او می گوید: آیلین کم بینای شدید است اما مادرزادی نیست، در چهار ماهگی پیوند مغز استخوان شد که عوارض داروها سبب این عارضه شد.

او ادامه می دهد: اوایل شرایط خود را نمی دانست و می خواست هم پای بچه ها باشد، اذیت می شد اما اکنون شرایط خود را دانسته و به خوبی درک می کند.

او اضافه می کند: آیلین از نظر تحصیلی مشکل دارد و تخته را نمی بیند و دستگاه بهدید را تهیه کردیم تا با آن بخواند، از مدارس استثنایی نمی تواند استفاده کند، چون نور چشم دارد و بهتر است از بینایی خود استفاده کند تا چشم عادت کند، شرایط او به گونه ای است که بینایی او تحلیل نمی رود و بهتر است از چشم خود استفاده کند.

خانم اسدی خاطرنشان می کند: در مدرسه با مشکل تک صندل مواجه بودیم چون با گوشه چشم می بیند، مجبور شدیم خودمان تهیه کنیم اما اولیا و مدیران راضی نبودند؛ آیلین چون پیوند مغز استخوان شده نباید عفونت بگیرد، چراکه پیوند او پس میزند نگران هستیم و باید صندل او جدا باشد درحالیکه مدرسه از ما حمایت نکرد و مدیر را به اجبار راضی کردیم.

او متذکر می شود: ای کاش فرهنگ سازی شود که معلولین، نابینا و کم بینا جزوی از جامعه هستند و باید به آنها کمک کرد اما هیچ اقدامی انجام نمی شود.

او همچنین می گوید: در اوایل هم کلاسی های آیلین از او فرار می کردند اما امسال کم کم راه می آیند، کتابهای درشت به سختی به دست ما رسیدند و به ناچار یک سال قبل سفارش دادم اما هزینه بهدید هم بالا است.

مادر آیلین یادآور می شود: مشکلات کم بینایان از نابینایان بیشتر است، امکاناتی وجود ندارد اگر مدرسه ای برای کم بینایان تأسیس شود، بیشتر مشکلات ما برطرف می شود.

قنبری نیز در رابطه با وضعیت آیلین اضافه می کند: آموزش خط بریل را با او شروع کردیم اما فعلاً از نور چشم خود استفاده می کند، متأسفانه کتاب درشت نویسی در کتابخانه نداریم اما سعی می کنیم راه اندازی کنیم، این مسائل راه حل دارد و باید نیازسنجی شوند.

او بیان می کند: مشکل من بین دیدن و ندیدن بود، سطح معابر سوپرها و مغازه ها وسایل خود را در معابر می گذارند، شهرداری باید این مشکل را برطرف کند؛ جریمه نکند که فایده ای ندارد.

او تأکید می کند: سطح آگاهی جامعه ما پایین است، اطلاع رسانی نشده و رادیو و صداوسیما اطلاع رسانی نکرده است شاید قصد و قرض خاصی ندارند اما نمی دانند چگونه راه بیابند؛ اگر معلمان، مدیران و والدین آگاه سازی شوند، مسائل برطرف می شود ما موجودی اجتماعی هستیم و باید در بطن جامعه باشیم.

قنبری همچنین می گوید: مقامات بالا باید این آگاه سازی را نهادینه کنند، در جامعه ما شغل های چندانی برای نابینایان وجود ندارد، آیلین اسدی دوست دارد پرستار شود اما با بزرگ شدن سطح فکر او عوض می شود و شاید با دیدن وضعیت دیگر این آرزو را نداشته باشد.

مدارس همکاری لازم را ندارند

ارسام فتحی گنجه لو نیز نه سال دارد، و با وجود اینکه چندان حوصله ای برای حرف زدن ندارد، می گوید: در مدرسه فرهیختگان در پایه سوم ابتدایی تحصیل می کنم.

او ادامه می دهد: در مدرسه عادی تحصیل می کنم و استثنایی نیست، درس هایم خوب است اما همکلاسی هایم چندان خوب نیستند.

او اضافه می کند: به کتاب خواندن و نقاشی کشیدن علاقه بسیاری دارم و دوست دارم نقاش شوم.

مادر ارسام نیز اظهار می کند: قیافه ارسام متعادل است و تا نگوئیم، کسی نمی فهمد او کم بینا است، کم بینایی او مادرزادی است و دو بار عمل شد تا با عینک فواصل دور را ببیند اما با این وجود تخته سیاه را به هم خوبی نمی تواند ببیند.

او اضافه می کند: مشکلات ما بسیار زیاد است و معلمان ما درک کافی ندارند، به نوعی می توان گفت به درک افراد بستگی دارد و برخی درک خوبی دارند و برخی نه که سبب شد تا ارسام از تحصیل زده شود؛

کتاب ها را یک سال زودتر از آموزش و پرورش استثنایی خریداری می کنم، همکلاسی هایش او را اذیت نمی کند اما به مرور که بزرگ می شود مشکلات بیشتر خواهد شد او را درک نکرده و مسخره خواهند کرد.

او می گوید: ارسام عضو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است و نقاشی های خوبی دارد و در جشنواره هم رتبه آورد.

قنبری نیز در رابطه با وضعیت ارسام می گوید: آموزش همگانی است اما برخی رعایت نمی کنند، کشورهای دیگر امکانات خوبی دارند اما ما این امکانات را نداریم ولی هزینه زیادی ندارد و می توان راه اندازی کرد.

او ادامه می دهد: این کودکان باید همیار داشته باشند تا به راحتی بتوانند درس بخوانند درحالیکه حتی در دوران دانشجویی خود منشی نداشتم و خودم باید پیدا می کردم؛ یعنی در حد دانشگاه هم پیشرفت نداریم.

او خاطرنشان می کند: در سطح جامعه اتفاقات مختلفی رخ می دهد که شاید فرد بعد سال ها کم بینا شود پس باید در نظر گرفت، هر آن امکان دارد با مشکل مواجه شویم.